

دیپلماسی وب محور، ابزار مداخله قدرتها

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۲۳۶۷

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

| | |
|---------|--|
| ۱..... | چکیده |
| ۲..... | مقدمه |
| ۳..... | پرسش پژوهش |
| ۳..... | گفتار اول - چارچوب نظری گزارش |
| ۱۶..... | گفتار دوم - آمریکا و دیپلماسی وبمحور |
| ۱۸..... | گفتار سوم - دیپلماسی وب و انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران |
| ۲۶..... | نتیجه گیری |
| ۲۹..... | پی نوشت ها |



دیپلماسی و بمحور، ابزار مداخله قدرتها

چکیده

واژه دیپلماسی و بمحور به آن دسته از فعالیت‌های دیپلماتیک اطلاق می‌شود که از طریق تکنولوژی‌های شبکه‌ای که معمولاً با عنوان رسانه‌های اجتماعی خوانده می‌شوند، اعمال می‌گردد. در این پژوهش ضمن بررسی مبانی نظری و تعاریف دیپلماسی الکترونیکی به بررسی این پدیده به‌عنوان یکی از الگوهای دارای اهمیت فزاینده در استراتژی‌های سیاست خارجی معطوف به امنیت ملی پرداخته می‌شود، که علاوه بر اعمال فشار فزاینده افکار عمومی بین‌المللی بر کشور هدف، به ایجاد فشار مارپیچی افکار عمومی در داخل کشور هدف نیز منجر می‌شود.

بررسی ابزار و نقشه راه تحقق دیپلماسی و بمحور را که بر پایه ارتباطات تکنولوژیکی جدید استوار است و از طریق رسانه‌های اجتماعی که دسترسی بدان‌ها از طرق مختلف پشتیبانی و تسهیل می‌شود، به‌عنوان یک دارایی استراتژیک بیان کرده و ضمن ارائه نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز به موضوع «جمعیت‌های هوشمند» که یکی از نتایج جانبی دیپلماسی عمومی و بمحور است پرداخته و براساس چارچوب نظری ارائه شده، حوادث و فتنه پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ بازخوانی و دیپلماسی عمومی و بمحور آمریکا در این خصوص تحلیل و در نهایت با جمع‌بندی یافته‌های پژوهش راهبرد مقابله پیشنهاد می‌شود.

مقدمه

واژه «دیپلماسی عمومی»^۱ که در دهه ۱۹۶۰ توسط ادmond گولین دیپلمات سابق آمریکایی مورد استفاده قرار گرفت، عبارت است از: «ابزاری شفاف که با استفاده از آن کشورها با مردم کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در جهت دستیابی به منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی‌شان به مخاطبین خارجی اطلاع‌رسانی کرده و بر آنها تأثیرگذارند».

در دیپلماسی وب‌محور که با عنوان دیپلماسی وب ۲/۰ یا دیپلماسی الکترونیکی نیز خوانده می‌شود ماهیت فراگیر دیپلماسی عمومی به رسمیت شناخته شده و می‌توان آن را مشتقی از تعریف بالا ذکر کرد. از این رو، این نوع دیپلماسی عمومی به آن دسته از فعالیت‌های دیپلماتیک اطلاق می‌شود که از طریق تکنولوژی‌های شبکه‌ای که معمولاً با عنوان رسانه‌های اجتماعی خوانده می‌شوند، اعمال می‌گردد. در سال‌های اخیر دولت آمریکا با اتخاذ استراتژی «دیپلماسی الکترونیک» به عنوان بخش مهمی از دارایی‌های استراتژیک و ارتباطات استراتژیک این کشور، سعی در القا و تحمیل سیستم ارزشی و استانداردهای رسانه‌ای خود بر دیگر کشورهای جهان کرد. این امر باعث می‌شود فشار فزاینده‌ای از جانب افکار عمومی بین‌المللی بر کشور هدف وارد آید. از همه مهمتر، دیپلماسی الکترونیکی می‌تواند منجر به فشار مارپیچی افکار عمومی در داخل کشور خارجی گشته و موجب بروز مخالفت‌های ملی، ناآرامی‌های

1. Public Diplomacy

2. Web 2.0



سیاسی و یا آشوب‌های قومی شود.

در این پژوهش دیپلماسی عمومی و ب‌محور به‌عنوان یکی از منابع قدرت و الگوهای دارای اهمیت فزاینده در استراتژی‌های امنیت ملی و سیاست خارجی معرفی می‌شود و بر این اساس به بررسی ابزارها و نقشه راه تحقق و نحوه اعمال این دارای استراتژیک که بر پایه ارتباطات تکنولوژیکی جدید استوار است می‌پردازیم که از طریق رسانه‌های اجتماعی، دسترسی بدان‌ها از طرق مختلف پشتیبانی و تسهیل می‌شود.

پرسش پژوهش

دیپلماسی و ب‌محور چیست؟ و چگونه آمریکا با استفاده از آن درصد ایجاد بحران و مداخله در دیگر کشورها می‌باشد؟

گفتار اول - چارچوب نظری گزارش

الف) دیپلماسی عمومی

دیپلماسی به دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان گفته می‌شود و اقناع مهمترین ابزار و دستاورد آن است. دیپلماسی، وسیله‌ای است که سیاست خارجی با استفاده از آن، به‌جای جنگ، از راه توافق به هدف‌های خود می‌رسد. با پیدایش جامعه ملل، دیپلماسی از حالت عمل دوجانبه خارج شده و امروزه حالت

نیمه‌علنی به‌خود گرفته و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ادموند گولیون^۱، دیپلمات سابق آمریکایی و رئیس مدرسه عالی حقوق و دیپلماسی فلجر در دانشگاه تافتز^۲ در سال ۱۹۶۵ میلادی، برای اولین بار مفهوم دیپلماسی عمومی را مطرح کرده است.^(۱)

گولیون و همکارانش به‌دنبال یافتن راهی برای مشخص کردن ویژگی بسیاری از برنامه‌های اطلاع‌رسانی، آموزشی و فرهنگی بودند که در سطح بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم توسط نهادهای دولتی و غیردولتی آمریکا برگزار شده بودند. «امروزه، گذشته از نهادی که توسط دولت برای اطلاع‌رسانی درباره ایالات متحده و سیاست‌های ما [آمریکا] بنا نهاده شدند، نکته مهمتر تبادل میان گروه‌ها، مردم و فرهنگ‌ها در سطحی فراتر از مرزها و تأثیرگذاری بر تفکر و برداشت مردم دیگر کشورها درباره امور خارجه، واکنش‌ها به سیاست‌های آمریکا و تأثیر این برداشت‌ها بر دولت‌های متبوعشان است. در تلاش برای ارائه معنایی برای این دسته از فعالیت‌ها، ما در دانشکده فلچر تلاش کردیم نامی برای این‌گونه فعالیت‌ها بیابیم. من تمایل داشتم که آن را «پروپاگاندا»^۳ [تبلیغات] بنامم. به‌نظر می‌رسید که این واژه نزدیک‌ترین واژه و برداشت از کاری باشد که ما درحال انجام آن بودیم. اما برای اینکه همه ابعاد ارتباطات، اطلاع‌رسانی و تبلیغ را دربر گیرد به عبارت «دیپلماسی عمومی» رسیدیم».^(۲)

گولیون دیپلماسی عمومی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «دیپلماسی عمومی ابزاری

1. Edmund Gulyun

2. Tufts University

3. Propaganda



شفاف است که با استفاده از آن کشورها با مردم کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در جهت دستیابی به منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی‌شان به مخاطبین خارجی اطلاع‌رسانی کرده و بر آنها تأثیر گذارند».^(۳)

در دهه ۱۹۸۰، مدیران کاخ سفید به‌منظور مقابله با دولت ساندانیست‌ها در نیکاراگوئه، دفتری را به‌نام اداره دیپلماسی عمومی برای آمریکای لاتین و جزایر کارائیب راه‌اندازی کردند که از آن زمان، اصطلاح دیپلماسی عمومی نزد افکار جهانیان معمول شده است.

در فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل سال ۱۹۸۷ وزارت امور خارجه ایالات متحده، دیپلماسی عمومی این‌چنین تعریف شده است:

«دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت تکفل دولتی بر می‌گردد که هدف آنها مطلع کردن یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است و وسایل اصلی آن عبارتند از: «انتشارات، سینما، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون». از این تعریف چنین بر می‌آید که دیپلماسی عمومی یک ارتباط دولت - ملتی به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم می‌باشد که هدف از اجرای آن، تأمین حداکثری منافع ملی در محدوده‌ای فراتر از مرزهای رسمی یک کشور است.

هسته اصلی نظریه دیپلماسی عمومی، ارتباط هدایت شده با افراد خارجی، به‌منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آنها و سرانجام، تأثیر گذاشتن بر دولت‌های آنهاست. در همین چارچوب، دیپلماسی عمومی فعالیت‌هایی را در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ، با هدف تأثیرگذاری بر دولتی خارجی، از راه تأثیرگذاران بر شهروندان آن است.^(۴)

در حقیقت دیپلماسی عمومی یا مردمی، آن بخش از دیپلماسی است که فراتر از سطح مناسبات دولت با دولت می‌باشد و هدف آن تأثیرگذاری بر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اصلی دیگر جوامع و کشورها از طریق انتقال پیام‌های کلیدی درخصوص وجه مثبت یک کشور است.

به سخن دیگر، دیپلماسی عمومی به معنای «تلاش‌های یک دولت برای درک، ارتباط و نفوذ در افکار عمومی کشورهای هدف در جهت تحکیم منافع ملی آن کشور» به‌کار برده می‌شود.

هانس‌ان‌تاچ نویسنده کتاب ارتباط برقرار کردن با جهان در سال ۱۹۹۰ در تعریف دیپلماسی عمومی چنین نوشت: «تلاش‌های رسمی دولت برای شکل دادن به محیط ارتباطی در کشورهای خارجی‌ای که در آنها سیاست‌های آمریکا اجرا می‌شود، تا بدین وسیله از میزان تأثیرات منفی، سوءتعبیرها و سوءتفاهم‌ها در زمینه روابط میان آمریکا و کشورهای دیگر کاسته شود».^(۵)

هیئت مأمور برنامه‌ریزی ادغام در وزارت خارجه آمریکا نیز در سال ۱۹۹۵، دیپلماسی عمومی را این‌گونه تعریف می‌کند: «دیپلماسی عمومی می‌کوشد منافع ملی ایالات متحده را از طریق مفاهیم، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مخاطبان خارجی ارتقا دهد». سازمان اطلاعاتی ایالات متحده هم که بیش از چهل سال به‌صورت تخصصی در زمینه دیپلماسی عمومی فعالیت کرده است، معتقد است: «دیپلماسی عمومی به‌دنبال آن است که منافع ملی و امنیت ملی ایالات متحده را از طریق شناخت، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش گفتگو میان



شهروندان و نهادهای آمریکایی و همتایان خارجی آنها ارتقا دهد».

دیپلماسی عمومی و ارتباطات راهبردی بخش مهمی از دکترین امنیت ملی ایالات متحده را پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، تشکیل می‌دهد. در سند «دکترین امنیت ملی آمریکا»^۱ در سال ۲۰۰۲، تصریح شده است که «ایالات متحده آمریکا درگیر جنگ اندیشه‌هاست و در این راستا و برای استفاده از جامعه بین‌الملل باید به بالاترین میزان قدرت دست یابد ... و دیپلماسی عمومی مؤثری را برای ترویج جریان آزاد اطلاعات و اندیشه به‌منظور زنده نگاه داشتن امید و الهام آزادی به‌کار گیرد. باور مشترک دولتمردان و کارگزاران دیپلماسی عمومی آمریکا این است که اگر مخاطبان خارجی از طریق بیان داستان از منظر آمریکا، این کشور را بهتر بشناسند، عاشق و شیفته آن خواهند شد. بنابراین، تصویر ذهنی نادرست مخاطبان از سیاست‌ها و رفتارهای راهبردی و فرهنگی آمریکا، منشأ سوءتفاهم‌ها و ستیزه‌جویی‌های آنهاست. بر این اساس، دیپلماسی عمومی به‌عنوان یک اسلحه نرم‌افزاری، نقشی اساسی در شکست کمونیسم و فروپاشی شوروی ایفا نموده است و اینک، به‌عنوان ضلع سوم استراتژی سه‌گانه آمریکا در تهاجم علیه تروریسم ظاهر شده و جهان اسلام و خاورمیانه را مورد هدف قرار داده است.^(۷)

دیپلماسی عمومی آمریکا از سه عنصر اساسی رسانه‌های جمعی، آموزش و تبادل متخصصان در زمینه‌های مختلف تشکیل شده است؛ تا ابتکارات، تلاش‌ها و اقدامات صورت گرفته طی چند سال گذشته را در این زمینه براساس بهترین تصاویر

ذهنی از سیاست‌ها و رفتارهای دولت آمریکا در نزد مخاطبان خارجی به‌ویژه مخاطبان خاورمیانه‌ای مسلمان نمایان سازد و این درحالی است که دولت‌های ایالات متحده جنایت‌های فراوانی را در منطقه طی سال‌های اخیر مرتکب شده و می‌شوند. در چارچوب اعمال تهدید نرم و یا روش اقدام غیرخشونت‌آمیز، دیپلماسی عمومی بیشتر بر هدف تلطیف افکار و نگرش نخبگان و آحاد مردم یک جامعه نسبت به دولت و کشور به‌کارگیرنده دیپلماسی عمومی متمرکز است.^(۷)

ب) دیپلماسی عمومی وب‌محور^۱

دیپلماسی عمومی از قدرت تأثیرگذاری بسیاری بر افکار عمومی برخوردار است. زیرا به نحوی فرهنگ‌ها و احساسات مردم را برای تأثیرگذاری مورد هدف قرار می‌دهد. این نوع تأثیرگذاری نیز بیشتر به وسیله فناوری‌های جدید رسانه‌ای پشتیبانی و اجرا می‌شود.

در دیپلماسی وب‌محور که با عنوان دیپلماسی وب ۲/۰ و یا دیپلماسی الکترونیکی نیز خوانده می‌شود ماهیت فراگیر دیپلماسی عمومی به رسمیت شناخته شده و می‌توان آن را مشتقی از تعریف دیپلماسی عمومی ذکر کرد. از این رو، این نوع دیپلماسی عمومی به آن دسته از فعالیت‌های دیپلماتیک اطلاق می‌شود که از طریق تکنولوژی‌های شبکه‌ای دیجیتال و بالاخص رسانه‌های اجتماعی، اعمال می‌شود.^(۸)



برای درک بهتر دیپلماسی وب‌محور و توانمندی فناوری فضای مجازی^۱ در پشتیبانی همه‌جانبه از دیپلماسی عمومی، لازم است ابتدا مفهوم وب ۲/۰ را بیان کنیم. عبارت وب ۲/۰ در ژانویه سال ۱۹۹۹ توسط خانم داریسی دینوچی، یک مشاور در طراحی اطلاعات الکترونیکی (معماری اطلاعات) به‌کار گرفته شد، لکن مفهوم واقعی وب ۲ اولین بار در یک همایش توسط جان باتل و تیم اوریلی مطرح شد. آنها به‌دنبال نسل جدیدی از وب بودند که بتواند جذاب، کاربردی و قابل گسترش باشد. این‌گونه بود که کنفرانس وب ۲ شکل گرفت و بحث‌های زیادی پیرامون این پدیده مطرح شد. طراحی و معماری وب ۲/۰ بر پایه مشارکت‌ها، همکاری‌ها و تعاملات انسان‌ها، ماشین‌ها، نرم‌افزار و عامل‌های هوشمند با یکدیگر استوار است. در دید عموم، عبارت وب ۲/۰، به‌طور وسیعی توسط وبلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگاران و نویسندگان مورد استفاده قرار گرفته است. در سال ۲۰۰۶، روزنامه تایمز، شخص سال را خود شما معرفی می‌کند. به این معنی که شما همان فرد مهمی هستید که از بین همه کسانی که در تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، ویکی‌ها و سایت‌های اشتراک‌گذاری رسانه‌ای، شرکت کرده‌اند، برگزیده شده‌اید. در جلد مجله، لیوگراسمن^۲ توضیح می‌دهد که:

«این داستانی در مورد جامعه و شرکت در اجتماعی است که قبلاً دیده نشده بود. این داستانی است در مورد خلاصه‌ای از دانش در ویکی‌پدیا و شبکه میلیون نفری یوتیوب و کلان‌شهر مای‌اسپیس است. این داستانی است از قدرت بسیار

1. Cyberspace

2. Liu Grossman

انسان‌هایی اندک که به‌خاطر هیچ، انسان‌های بسیاری را کمک کرده‌اند. آنها نه تنها دنیا که روش‌های رایج موجود در دنیا را نیز تغییر داده‌اند».

از آن زمان، وب ۲/۰، به‌عنوان واژه‌ای وارد دایرة‌المعارف‌ها شد و در سال ۲۰۰۹، مؤسسه ادبیات جهانی، این عبارت را یک میلیونیمین کلمه انگلیسی معرفی کرد.^(۹)

ج) پارادایم تولید - استفاده^۱

یکی از دستاوردهای تکنولوژی‌های نوظهور به‌وجود آوردن مفاهیم و پارادایم‌های جدید در همه عرصه‌هاست. ازجمله این پارادایم‌های جدید می‌توان به پارادایم تولید - استفاده اشاره کرد سایت پرودویوزیج،^۲ پارادایم تولید - استفاده را این‌گونه تعریف می‌کند:

«در جوامع مشارکتی تولید محتوای مشترک در یک محیط مشارکتی و شبکه‌ای انجام گرفته و باعث فروپاشی مرز بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان می‌شود و در عوض تمام طرفین را قادر می‌سازد که در آن واحد هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده باشند».

استفاده گسترده از تکنولوژی دیجیتالی نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی به مثابه شایع‌ترین ابزار برای دستیابی به برنامه‌های سیاسی و شکل‌دهی به دیپلماسی عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هم‌اکنون می‌توان گفت عصر اطلاعات به مرحله‌ای رسیده است که پارادایم «تولید - ارتباط - مصرف» برای ارتباطات اطلاعاتی درحال جایگزینی با پارادایم «تولید - استفاده» است. لذا با توجه به توانمندی‌های

1. Produsage Paradigm

2. www.produsage.com



منحصر به فرد وب ۲/۰ خصوصاً رسانه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای آن، در تسهیل روابط میان افراد در جوامع مختلف، دولتمردان آمریکایی استفاده از امکانات و توانمندی‌های این مفاهیم تکنولوژیکی نوظهور را در دستور کار خود قرار داده‌اند تا به‌وسیله آن بتوانند دیپلماسی دولت - دولت خود را با مؤلفه مردم - مردم کامل کنند.

برای استفاده مؤثر از دیپلماسی عمومی جهت تأثیرگذاری مناسب بر مخاطب نیاز به ابزاری مناسب برای این امر است. یکی از مناسب‌ترین گزینه‌ها استفاده از توان اخبار منتشره میان افراد جامعه موسوم به «اخبار فرد به فرد» است. اخبار فرد به فرد را می‌توان یکی از اولین اشکال ارتباطات خبری نامید. این خروجی خبری جایگزین نه تنها مورد استفاده روزنامه‌نگاران بوده، بلکه توسط شهروندان اینترنتی نیز به‌کار برده می‌شود. بزرگ‌ترین امتیاز این ابزار در «درجه کنترل» آن نهفته است. بدین معنا که کاربر فرآیند، محتوا و ارسال ارتباطات خبری را کنترل می‌کند.

به‌منظور تحرک‌آفرینی در فعالیتهای مرتبط با دیپلماسی وب‌محور باید یک واقعه خبری و یا موضوع مشخص و یا مهندسی شود. سپس باید بر اساس ماهیت اخبار، مخاطبین هدف، کانال‌های ارتباطاتی و پلتفرم‌ها مشخص شوند. از آنجایی که بسیاری از رسانه‌های اجتماعی قبلاً «گروه‌ها» و «شبکه‌ها» را بر اساس شاخصه‌های جمعیتی و یا روانشناختی مشخص کرده‌اند بنابراین مهمترین وظیفه باقیمانده عبارت خواهد بود از انتشار اخبار در میان مخاطبینی که حداکثر امکان بیشتری را از خود نشان خواهند داد. از آنجایی که این نوع رسانه‌ها بسیار مستعد «اخبار ویروسی» هستند بنابراین زمانی که «مبتلا» می‌شوند به احتمال زیاد «ارتباطات خبری

ویروسی» وارد چرخه گردش خواهد شد.^(۱۰)

لذا با توجه به ویژگی‌های اشاره شده و بر اساس دکترین دیپلماسی عمومی و ب‌محور آمریکا، شیوع اخبار فرد به فرد، به‌عنوان مناسب‌ترین ابزار، برای اعمال دیپلماسی عمومی خود، تشخیص داده شده است، لکن جهت امکان خبرپراکنی میان افراد نیاز به یک برنامه مناسب، منعطف، در دسترس و قابل اعتماد است.

د) شبکه اجتماعی مجازی

شبکه اجتماعی، ساختاری اجتماعی است که از گروه‌هایی (که عموماً فردی یا سازمانی هستند) تشکیل شده است که توسط یک یا چند نوع خاص از وابستگی به هم متصلند.

بالغ بر یک قرن است که مردم، شبکه اجتماعی مجازی را برای اشاره‌های ضمنی به مجموعه روابط پیچیده میان افراد در سیستم‌های اجتماعی در تمامی مقیاس‌ها از روابط بین‌فردی گرفته تا بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌دهند. بارنز، در سال ۱۹۴۵ برای نخستین‌بار از اصطلاح قاعده‌مند برای مشخص کردن الگوهایی از رشته‌ها استفاده کرد که مفاهیم را مشخص می‌کنند و به‌صورت رایج توسط عموم و دانشمندان علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^(۱۱)

بر این اساس شبکه‌های اجتماعی مجازی با توجه به ویژگی‌ها و امکانات رسانه‌های اجتماعی این رسانه‌ها به‌عنوان نقشه راهی بسیار مناسب برای دیپلماسی و ب‌محور شناخته می‌شود.



ه) جمعیت هوشمند^۱

بر اثر توسعه تکنولوژی رسانه‌های اجتماعی در کامپیوترهای شخصی، اشاعه سیستم‌های بی‌سیم، تلفن‌های همراه و دیگر دستگاه‌های دیجیتال شخصی جامعه بشری به تدریج ساختار اجتماعی و روش‌های مبادله اطلاعات را تغییر می‌دهد. بر همین اساس و برای اولین بار مفهوم «جمعیت هوشمند» توسط هوارد رینگلد^۲ در خصوص افراد در شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد استفاده قرار گرفت. رینگلد در کتابی با عنوان «جمعیت هوشمند: انقلاب اجتماعی بعدی» در این خصوص می‌نویسد: «تفاوت بین جمعیت هوشمند و جمعیت عادی در روش‌های تبادل اطلاعات نهفته است. جمعیت هوشمند از کامپیوترهای شبکه‌ای برای توزیع اطلاعات استفاده می‌کنند و بدین ترتیب به یک نوع تشریک‌مساعی جمعی دست می‌یابند. از آنجایی که فعالیت‌های سیاسی آنلاین روز به روز راحت‌تر و ارزان‌تر می‌شوند، به همین سبب سازمان‌ها و افراد سیاسی که قبلاً به یکدیگر متصل نبودند، هم‌اینک در مباحثات آنلاین دور هم جمع می‌شوند و بدین ترتیب بدون وجود سازمانی، سازماندهی می‌شوند».

فعالیت‌های سیاسی وب‌محور، ناشی از دیپلماسی الکترونیکی، معمولاً با یک «جمعیت هوشمند» ناگهانی و خودجوش به وجود می‌آید. در این فرآیند یک واقعه خبری بزرگنمایی شده و با استفاده از تکنولوژی شبکه‌ای و با اعلامیه‌های اینترنتی، عملیات‌های ایزدایی، تحقیر کردن، هک کردن،^۳ فاش نمودن رسوایی‌ها^۴ و یا انتشار

1. Smart Mobs
2. Howard Rynghd
3. Hacking
4. Disclosing Scandals

اطلاعات تحریف شده^۱ اعتراضات سیاسی هماهنگ می‌شوند.

اینترنت می‌تواند در جامعه به مانند شمشیری دو لبه عمل کند. رینگلد در مورد

پیدایش دو نوع جامعه افراطی ولی محتمل‌الوقوع هشدار می‌دهد، که عبارتند از:

- جامعه‌ای که شدیداً توسط دولت و از طریق شبکه دیجیتالی کنترل می‌شود.

- جامعه‌ای پر از مشکلاتی که توسط جمعیت‌های هوشمند با اهداف خاص پدید

می‌آیند.

در اغلب موارد یک موجود مستقل (سازمان یا فرد) سیستم جمعیت هوشمند را

کنترل می‌کند، موجودیتی که مخاطبین خاص را در زمان مقتضی تحریک می‌کند تا به

قربانی و یا قربانیان مورد نظر حمله کنند.

هدف اصلی دیپلماسی عمومی وب‌محور پدید آوردن «جمعیت هوشمند» در دیگر

کشورها است. در حقیقت، بعد از آغاز عصر اطلاعات، رهبران برجسته دولت‌ها بدین

نتیجه رسیده‌اند که اطلاعات و تکنولوژی‌های اینترنتی مهمترین اسلحه آنها در

نبردهای ایدئولوژیکی است.

(و) نظریه جامعه شبکه‌ای

کاستلز صاحب نظریه جامعه شبکه‌ای، در «کتاب جامعه اطلاعاتی»^۲ جهان آینده را

این‌گونه ترسیم می‌کند:

«جهان آینده، جهانی مجازی، شبکه‌ای هوشمند با تاروپود اطلاعات و ماهیت

1. Distorted Information

2. Information Society



فرهنگی همراه با بحران هویت باشد. این جامعه شبکه‌ای در ساختار و کارکردهای خود، حول شبکه‌ها و جریان‌های به ظاهر سرمایه‌داری (کاپیتالیستی) ولی متفاوت از سرمایه‌داری عصر صنعتی شکل گرفته است».

کاستلز از دیدگاه، در این جامعه شبکه‌ای، دیگر قدرت در نهادها (دولت) و یا کنترل‌کنندگان نهادها متمرکز نیست، بلکه باید آن را در شبکه‌های جهانی که دارای هندسه‌ای متغیر و جغرافیایی غیرمادی است، جستجو کرد.

با مذاقه در مفاهیم دنیای شبکه‌ای جدید و تلاش آمریکا جهت استفاده از این فضای سیال و پویا به جهت به‌کارگیری آن در دیپلماسی عمومی خود و تأثیر بر افکار عمومی دیگر کشورها و پیشبرد سیاست‌های مداخله‌جویانه و خصمانه بر ضد کشور هدف، فشار فزاینده‌ای از جانب افکار عمومی بین‌المللی بر این کشور وارد آمده و از همه مهمتر، دیپلماسی الکترونیکی می‌تواند منجر به فشار مارپیچی افکار عمومی در داخل کشور هدف شده و موجب بروز مخالفت‌های ملی، ناآرامی‌های سیاسی و یا آشوب‌های قومی شود، که این موضوع را می‌توان هدف دیپلماسی وب‌محور غرب جهت ایجاد تغییرات نرم در دیگر کشورها دانست، پروژه بی‌رحمانه‌ای که آمریکایی‌ها به شدت به دنبال تحقق آن می‌باشند.

گفتار دوم - آمریکا و دیپلماسی وب‌محور

بر اساس نظریات جوزف نای^۱، قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است و قدرت نرم^۲ یک کشور بستگی به منابع فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌هایش دارد. راهبرد قدرت هوشمند^۳، منابع قدرت نرم و سخت را ترکیب می‌کند.

دیپلماسی وب‌محور آمریکا، به‌عنوان ابزار افزایش قدرت نرم، راهبردی برای فتح قلوب و اذهان است، آمریکایی‌ها دریافته‌اند، اتکای بیش از حد بر قدرت سخت^۴ به تنهایی ضامن موفقیت نیست. لذا درصدد هستند تا با استفاده از قدرت دیپلماسی عمومی، به قدرت هوشمند^۵ دست یابند. بر این اساس و پس از انتصاب هیلاری کلینتون به‌عنوان وزیر امور خارجه، وی با حرص و ولع زیاد به سوی استراتژی «دیپلماسی وب‌محور»، بسیج افکار عمومی آمریکا به‌منظور «مشغول شدن در اینترنت» و همچنین کنش متقابل گسترده با مخاطبین خارجی، روی آورد. نظریه‌پرداز و مغز متفکر این راهبرد دولت آمریکا، الک راس مشاور ارشد کلینتون در حوزه نوآوری است. به‌نظر او یکی از جالب‌ترین شاخصه‌های دولت‌داری در قرن بیست‌ویکم مؤلفه «مردم - به - مردم»^۶ است که می‌تواند دیپلماسی «دولت - به - دولت»^۷ سنتی را کامل کند و آن را

-
1. Joseph Nye
 2. Soft Power
 3. Strategy Of Smart Power
 4. Hard Power
 5. Smart Power
 6. People - To - People
 7. Government - To - Government



ارتقا بخشد. به نوشته نشریه «نیوزویک»، علاقه وافر کلینتون به ابزار وب ۲/۰ کاملاً موجه است، زیرا این ابزار نویدبخش ترویج دمکراسی در کشورهای است که هم‌اکنون در دسر بزرگی برای آمریکا محسوب می‌شوند.

دیپلماسی الکترونیک آمریکا، به‌عنوان بخش مهمی از دارایی‌های استراتژیک^۱ و ارتباطات استراتژیک^۲ این کشور، سعی دارد در وهله اول برنامه‌های رسانه‌ای تدوین کند، چارچوب‌های خبری ایجاد کند، محتوای خبری طراحی کند و روایت‌های فرضی در مورد موضوعات حساس ارائه کند. دولت آمریکا حین انجام این کار سیستم ارزشی و استانداردهای رسانه‌ای خود را بر مابقی جهان تحمیل می‌کند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، ماهیت سیال و محبوبیت و شیوع سایت‌های شبکه‌های اجتماعی به مانند فیس‌بوک^۳، توییتر^۴، مای‌اسپیس^۵ و وب‌سایت‌های اشتراک تصاویر ویدئویی به مانند یوتیوب^۶ دولت آمریکا را تشویق می‌کند که با استفاده از این ابزارها در راستای تأثیرگذاری بیشتری بر ساختار سیاسی دیگر کشورها و تحمیل خواسته‌ها، ارزش‌ها و سیاست‌های خود در کشور هدف گام بردارد.

برای درک بهتر نحوه اعمال دیپلماسی وب‌محور آمریکا جهت مداخله و بروز بحران به بررسی دیپلماسی وب‌محور آمریکا در خلال ایام پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ و حوادث فتنه در کشورمان می‌پردازیم.

-
1. Strategic Assets
 2. Strategic Communications
 3. Facebook
 4. Twitter
 5. MySpace
 6. YouTube

گفتار سوم - دیپلماسی وب و انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران

حوادث به وجود آمده پس از اعلام نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸ ایران را می‌توان به عنوان یکی از نقاط عطف استفاده از دیپلماسی وب محور دولت آمریکا جهت بروز بحران در یک کشور مستقل دانست.

پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، توییتر، یوتیوب، فیس‌بوک و فلیکر^۱ تبدیل به واسطه‌ها و پلتفرم‌های انتشار اطلاعات و سازماندهی اعتراضات توسط گروه‌های مخالف و حامیان غربی آنها شد. در گذشته، کشورهای غربی بالاخص آمریکا، از رسانه‌های سنتی به مانند ایستگاه‌های رادیویی بین‌المللی برای تحریک و سازماندهی مخالفین استفاده می‌کردند. با این حال، غربی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ایران تنها به ایستگاه‌های رادیویی و یا خبرگزاری‌ها برای دستیابی به برنامه‌های سیاسی‌شان اتکا نکردند؛ آنها با استفاده از رسانه‌های اجتماعی جدید توانستند این کار را بهتر و مؤثرتر انجام دهند. عوامل و عناصر فتنه نیز از طریق رسانه‌های اجتماعی شبکه‌ای کمک‌ها و پشتیبانی زیادی از جانب غرب کسب کردند. برای مثال، گوگل^۲ و فیس‌بوک بلافاصله زبان فارسی را نیز به خدمات خود افزودند تا به معترضین ایرانی یاری رسانند.^(۱۲) علاوه بر این، رسانه‌های آمریکایی از حامیان گروه‌های فتنه در خارج از کشور می‌خواستند تا اطلاعات مکان و زمان خود را به نحوی تنظیم کنند که به نظر برسد در داخل ایران فعالیت می‌کنند.^(۱۳)

1. Flickr
2. Google



روزنامه نیویورک تایمز^۱ در جهت افشای برخی مداخلات دولت آمریکا در حوادث و آشوب‌های پس از انتخابات دهم به واسطه شبکه‌های اجتماعی مجازی، به یک سند اشاره می‌کند. این روزنامه در گزارش خود می‌نویسد: روز دوشنبه (۲۵ خردادماه ۱۳۸۸) وزارت خارجه آمریکا با ارسال یک پست الکترونیکی^۲ به مدیران شبکه اجتماعی توییتر خواهان به تعویق انداختن تعمیرات برنامه‌ریزی شده این پایگاه اینترنتی شد تا از این طریق مخالفان بتوانند بدون وقفه اطلاعات لازم درباره تظاهرات خیابانی را بین خود و جهان خارج ردوبدل کنند. «پی . جی. کراولی»^۳ معاون امور ارتباطات وزارت خارجه آمریکا در این باره گفت: «درخواست ما از توییتر این بود: شما در این زمان حساس نقشی مهم در ایران ایفا می‌کنید، آیا می‌توانید به‌کار خود ادامه دهید؟ براساس این گزارش توییتر روز شنبه بعد با تبعیت از درخواست مذکور اعلام کرد:» عملیات به‌روزرسانی پایگاه خود را به تعویق انداخته چون شرکای آن درحال حاضر بر نقش توییتر به‌عنوان یک ابزار مهم ارتباطاتی در ایران صحه گذاشته‌اند.

صدای آمریکا^۴ و سایر رسانه‌های جمعی آمریکایی و سایر رسانه‌های خارجی نیز در گزارش‌های خبری خود به‌طور گسترده‌ای از مطالب ارسالی به توییتر، وبلاگ‌ها و یا ویدئوهای تولید شده توسط کاربران نیز استفاده می‌کردند. استفاده گسترده دولت آمریکا از دیپلماسی عمومی خود در بستر وب تا بدانجا

1. The Newyork Times

2. E - mail

3. The. J.. Crowley

4. VOA

پیش رفت که مقامات رسمی این کشور این تکنولوژی‌ها را به مثابه یک دارایی عظیم استراتژیک برای این کشور قلمداد کردند.

رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، در ژوئن ۲۰۰۹ اعلام کرد، تکنولوژی‌های رسانه‌های اجتماعی به مانند توئیتر نقشی حیاتی در آشوب‌های فتنه‌گران در ایران، داشته و «یک دارایی استراتژیک عظیم برای آمریکا محسوب می‌شوند». از نظر گیتس این نوع پیشرفت‌های تکنولوژیکی، شامل اینترنت، تلفن‌های همراه و وبسایت‌های شبکه‌های اجتماعی، کنترل اطلاعات را برای دولت‌ها «بسیار مشکل» ساخته‌اند، زیرا این ابزار «تکنولوژی‌های ارتباطاتی را در اختیار شهروندان متوسط جهان قرار می‌دهند».

بنابراین، این تکنولوژی‌ها «نشانگر موفقیتی بزرگ برای آمریکا در اقصی نقاط جهان هستند زیرا انحصار اطلاعات دیگر در دستان دولت‌ها قرار ندارد».^(۱۴)

ظاهراً جبهه جدید دیپلماسی عمومی وب‌محور برای سیا بسیار پرسود بوده است. پس از ناآرامی‌های ایران، یکی از مأمورین اطلاعاتی آمریکا چنین گفت:

«سیا^۱ ناگهان فهمید که تلقین ارزش‌های آمریکا از طریق اینترنت بسیار راحت‌تر از اعزام مأمور به محل‌های مورد نظر برای انجام این کارهاست» ظاهراً ایدئولوژی آمریکا از طریق فعالیت‌های اینترنتی تهاجمی نفوذ بیشتری پیدا کرده و دیگر کشورها را در حالت تدافعی قرار می‌دهند. این بار سیا یک میدان جنگ پربازده یافته است. استفاده از اینترنت برای انجام برنامه‌های مورد نظر، حساسیت بسیار کمتری نسبت



به دخالت مستقیم برمی‌انگیزد و کشورهای دیگر نیز به سوی موضع منفعلانه سوق داده می‌شوند حتی اگر فعالیت‌های آنها مشروع و قانونی باشد. «پس از انتخابات، وضعیت تهران شاهد تغییرات عدیده‌ای بود. این تجربه باعث شد سیا و دیگر سازمان‌ها دولت آمریکا به قدرت شگرف رسانه‌های اجتماعی پی‌ببرند».^(۱۵)

آمریکایی‌ها جهت اعمال دیپلماسی وب‌محور خود از تمام ظرفیت‌های فنی خود و دیگر هم‌پیمانانشان بهره گرفته تا با مضاعف‌سازی فشارهای روانی و فنی به پیشبرد سیاست‌های مورد نظرشان اقدام کنند. موارد زیر نمونه‌هایی از این اقدامات می‌باشند.

پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران، سنای آمریکا بودجه‌ای ۵۵ میلیون دلاری را با عنوان آنچه حمایت از «قربانیان سانسور در ایران» می‌خواند، به تصویب رساند. براساس سخنان سناتورهای ارائه‌دهنده این طرح، هدف اصلی از تصویب این طرح باز کردن فضای ارتباطات اینترنتی برای معترضان ایرانی است تا بتوانند راحت‌تر به انتقال اطلاعات بپردازند. این انتقال اطلاعات از نظر طراحان طرح در دو سطح قابل توجه است. در اولین سطح گسترش ارتباطات اینترنتی معترضان در درون ایران و دور زدن فیلترینگ سایت‌ها و دسترسی آسان معترضان به شبکه‌های ارتباطات اجتماعی - اینترنتی همچون فیس‌بوک و توییتر و سطح دیگر آن تقویت امکان ارسال اخبار و اطلاعات از داخل ایران به خارج در قالب عکس‌ها، متن‌ها و ویدئوهای ضبط شده است.

در این برهه از زمان کلمات جدیدی مانند: «اغتشاش سایبری»^۱ و «انقلاب سایبری»^۲ و «دمکراسی برای ایران»^۳ متولد شدند. زادگاه کلمات فوق سایت توئیتر بود. برخی از سایت‌ها مانند مای‌اسپیس بخش‌هایی را تحت عنوان «خبرنگار خیابان»^۴ و «شما گزارش بدهید» را جهت جمع‌آوری اطلاعات از اوضاع داخلی ایران راه‌اندازی کردند. دیگر پایگاه‌های خبری از جمله سی‌ان‌ان نیز درخواست‌هایی مبنی بر ارسال ویدئو، عکس و گزارش از شهروندان ایرانی داشتند.

سایت گوگل در جریان انتخابات و بعد از آن امکانات ترجمه متن فارسی به زبان انگلیسی را راه‌اندازی کرد تا کاربرانی که به زبان انگلیسی تسلط ندارند، مطالب مورد نظرشان را به فارسی مطالعه کنند. برخی از آمارهای ارائه شده در اینترنت در ارتباط با فعالیت سایت فیس‌بوک که شعار آن «دمکراسی برای ایران» بوده است دلالت بر این دارد که در ظرف چند روز بعد از انتخابات ۱۵۰۰۰ عضو، ۱۰۸ عنوان، ۱۷۰۹ آگهی، ۶ فایل ویدئویی، ۴۹۶ عدد عکس و ۱۰۸۹ لینک به امکانات فیس‌بوک اضافه شده است. همان آمار اشاره کرده است که در روز هفتم تیر بر روی سایت گوگل، عبارت «اعتراض به انتخابات ایران» یک میلیون بار جستجو شده است.

اقدامات شیطنت‌آمیز آمریکا و هم‌پیمانانش در مداخله امور جاری در کشورمان به همین جا ختم نشده و دشمنان با استفاده از روش‌های مختلف تکنولوژیکی درصدد بی‌اثرسازی سیستم پالایش داخلی کشور و از همه مهمتر حملات سایبری به پایگاه‌های

1. Cyber Disturbance
 2. Cyber Revolution
 3. Democracy For Iran
 4. Street Reporter



الکترونیکی مقامات کشوری، درگاه‌های دولتی و سایت‌های خبری در داخل کشور اقدام کردند که در زیر نمونه‌هایی از این تهاجمات سایبری همه‌جانبه ذکر می‌شود.

آزمایشگاه سیتی‌زن^۱ در کانادا نرم‌افزارهای فیلترشکن جهت عبور از فیلترهای اعمالی را در اختیار حمله‌کنندگان قرار داد. سازمان دیگر کانادایی به نام سک - دو شبکه‌ای بنام گاستنت^۲ را برای نفوذ به کامپیوترها و سایت‌های خبری و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی داخل ایران راه‌اندازی کرد و «شبکه جنگ اطلاعاتی» در کانادا راه‌اندازی شد.

کمک به باز نگاه داشتن سایت مسدود شده‌ای از قبیل توپیتر و فیس‌بوک با ارسال نرم‌افزارهای مجانی از اقدامات شبکه فوق‌الذکر بود. از نظر غربی‌ها «شبکه‌های اجتماعی» که نقش بسیاری در ایجاد و گسترش ناآرامی‌ها داشتند، باید به هر طریق ممکن در دسترس عوامل فتنه قرار می‌گرفت. یکی از این نرم‌افزارهای کمکی با هدف بی‌اثرسازی سیستم پالایش «حق دانستن» نامیده شد که سعی می‌شد به‌طور گسترده در اختیار فتنه‌گران قرار بگیرد.

از دیگر اقدامات هماهنگ آمریکا از طریق شبکه‌های اجتماعی و سایر ابزارها و تکنولوژی‌های مبتنی بر وب ایجاد شبکه‌های حمله به سایت‌های داخلی ایران بود. در حقیقت آمریکایی‌ها سعی داشتند با تشکیل لشگری از سربازان سایبری^۳ به ممانعت از فعالیت خبری کشورمان در فضای سایبری اقدام کنند. بررسی سایت‌های تحلیلیگر اینترنتی به‌هنگام انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران و دوران پس از اعلام نتایج آن بیانگر این است که عمده حملات انجام شده بر ضد مرزهای فضای مجازی کشورمان

1. Citizen Lab
2. Ghost Net
3. Cyber Soldiers

از نوع حملات انکار سرویس توزیع شده و به جهت ممانعت از ارائه سرویس و قطع فعالیت سایت‌ها بوده است. در این بین سایت‌هایی مانند توییتر، فیس‌بوک، بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، عملاً آموزش حملات سایبری^۱ را در سرلوحه کار خود داشتند.

به‌علاوه آمریکایی‌ها برخی از افرادی را که در خارج از کشور که هکر یا طرفدار مکتب هک کردن هستند، به‌کار گرفته و یا با آموزش‌هایی برای دیگران مثل حمله «پینگ فلود»^۲ به‌قصد از کار انداختن و اختلال در کار سرور سایت‌های دولتی را به‌عهده گرفته و یا رأساً خود اقدام کردند. یکی دیگر از انواع حمله‌ها ارسال بسته‌های مانیتورینگ برای سرورهای هدف برای خسته کردن آنها بوده است. ساخت بعضی از نرم‌افزارهای «موتور جستجوی تخریب‌گر» به قصد جستجوی دائمی و بدون وقفه برخی از سایت‌های دولتی و مشغول کردن آنها نیز انجام گرفت یکی از جمله این نرم‌افزارهای حملات سایبری می‌توان به «گت‌فلود» اشاره کرد.

در ایام مورد بررسی شعار سایت توییتر این بوده است: «برای حمله اطلاعاتی به دولت ایران متحد شوید». لیست سایت‌هایی را که باید به آنها حمله شود بر روی این سایت درج شد. در واقع، توییتر و فیس‌بوک آتش بیار معرکه بوده و به‌سبب این نقش حیاتی، حتی برخی از فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده و روزمره خود را نیز به تعویق انداخته بود. زیرا هدف آنها تشکیل، مدیریت و سازماندهی جریان‌های اعتراضی فتنه و هماهنگ‌سازی حملات سایبری بر علیه امنیت ملی کشورمان بوده است.

1. Cyber Attacks

2. Ping Flood



شکل صفحه سایت توییتر که حملات انکار سرویس توزیع شده
به سایت‌های دولتی ایران را تشویق می‌کند



شایان ذکر است اقدامات فنی هوشمندانه و بسیار مناسب فرزندان غیور این مرز و بوم تا حد بسیاری همه این هجمه‌های تکنولوژیکی را بی‌اثر ساخت. این مقاومت دلیرانه تا بدانجا بود که تحلیلگران آمریکایی را مجبور به اعتراف کرده است. «ایران با کمک مرکز نظارت بر عملیات شبکه خود بر جریان ارتباطات و ارسال داده به‌صورت آنلاین و آفلاین از جمله ارسال ویدئو تسلط داشته به همین دلیل بر روی شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توییتر نیز کنترل مناسبی داشته است. لذا نمره قبولی در حد A به جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت، کنترل و نگهداری اینترنت تعلق می‌گیرد که در مقایسه با بسیاری از کشورها نمره‌ای بسیار قابل توجه است. این بدان معنی است که متخصصین فنی ایرانی نه تنها شبکه خود را به سرعت مدیریت کردند، بلکه همچنان مسئله «دخالت خارجی» را به‌عنوان برگ برنده در دست و اختیار خود داشته و با انقلاب اینترنتی به خوبی به مقابله پرداختند».^(۱۶) این اعتراف دشمن حاکی از توانایی‌های شایان توجه دانشمندان سایبری جمهوری

اسلامی ایران برای مقابله و ایجاد اختلال در برنامه‌های آنان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

اینترنت در حال تبدیل شدن به یک رسانه عامه‌پسند است و این امر باعث خواهد شد مردم برای دریافت تحلیل‌ها و فهم وقایع جاری به اخبار فرد به فرد روی آورند و نقش رسانه‌های سنتی کاهش یابد. اخبار فرد به فرد وب‌محور اغلب در میان خانواده‌ها، دوستان و همکاران جریان می‌یابد، یعنی افرادی که قبل از برقراری هر نوع ارتباط فرد به فرد با یکدیگر رابطه‌ای توأم با ارتباط برقرار کرده‌اند. اخبار فرد به فرد در مقایسه با تولیدات تبلیغاتی دولت‌ها و یا گزارش‌های رسانه‌های سنتی، بیشتر متقاعدکننده و قابل اعتماد به نظر می‌رسند. همین شاخصه اصلی اخبار فرد به فرد مهمترین دلیل برای انجام دیپلماسی عمومی وب‌محور است. هم دیپلماسی عمومی وب‌محور و هم ارتباطات فرد به فرد وب‌محور دارای طیف خاصی از مخاطبین هدف هستند. اخبار فرد به فرد وب‌محور برخلاف ارتباطات خبری رسانه‌های سنتی تفاوت میان مخاطبینش را نادیده نمی‌گیرد، بلکه شخصیت، پس‌زمینه‌ها و منافع گوناگون مخاطبینش را نیز در نظر می‌گیرد. از آنجایی که فرستنده و گیرنده یک پیام از قبل و از طریق منافع مشترک با یکدیگر متصل شده و به یک فهم متقابل دست یافته‌اند، بنابراین فرستنده می‌تواند پیام را مطابق فهمی که از گیرنده دارد، ویرایش کند. این پیام سفارشی می‌تواند فرآیند ارتباط را تسهیل کند. لذا اینترنت تبدیل به ظرفی برای رشد و نمو انواع فعالیت‌های سیاسی شده است. دیپلماسی عمومی را نیز می‌توان با



کمک تکنولوژی برای طیف وسیعی از فعالیت‌ها از مبارزه واقعی در جهت حقوق بشر گرفته تا تروریسم، افراطی‌گرایی، بنیادگرایی مذهبی، افراط‌گرایی زیست‌محیطی، نازیسم، فرقه‌گرایی و بسیاری دیگر به‌کار برد. حامیان تمام فعالیت‌های فوق همگی به‌ظاهر ادعا دارند که در جهت آزادی، عدالت یا دموکراسی فعالیت می‌کنند.

برخلاف دوران جنگ سرد که در آن دولت‌ها افرادی را به کشورهای هدف اعزام می‌کردند تا در آنجا به اعتراضات خیابانی و مواردی نظیر آن یاری رسانند، در عصر جدید، هدف اصلی دیپلماسی عمومی وب‌محور پدید آوردن «جمعیت هوشمند» در دیگر کشورهاست. جمعیت هوشمندی که از طرف فرد و یا سازمان [هایی] وابسته به غربی‌ها و خصوصاً دولت امریکا مدیریت و هدایت شده و در جهت حفظ و بسط ارزش‌های مورد تبلیغ و منافع آنها اقدام می‌نماید.

درواقع، بعد از آغاز عصر اطلاعات، رهبران برجسته دولت‌های غربی بدین نتیجه رسیده‌اند که اطلاعات و تکنولوژی‌های اینترنتی مهمترین اسلحه آنها در نبردهای ایدئولوژیکی بوده به‌طوری‌که با کمک این ابزارها می‌توانند، مسائل جهانی خود را راحت‌تر حل و فصل کنند. برای مثال، رونالد ریگان تکنولوژی اطلاعاتی را چنین معرفی می‌کند: «داوود ریزتراشه که حکومت اقتدارگرای جالوت را سرنگون خواهد کرد»؛ بیل کلینتون اعلام کرد که سانسور اینترنتی به مانند «تلاش برای فرو بردن ژله در دیوار است» و جرج بوش جهانی را توصیف کرد که در آن «اینترنت بر چین مسلط خواهد شد» و از ما می‌خواهد «تصور کنیم که چگونه آزادی رواج خواهد یافت».

این‌گونه است که مقامات آمریکایی درصددند تا به هر روش ممکن با حمایت تکنولوژیکی از ابزار انتشار و گسترش دیپلماسی وب‌محور خود تمایلاتشان را به

دیگران اعمال کنند و زمانی که ارزش‌ها، باورها و اعتقادات یک ملت در مورد تعیین سرنوشت خود با گفتمان آنها همخوانی نداشته باشد با کمک دیپلماسی عمومی و از طریق به‌کارگیری رسانه‌های نوین و حملات سایبری درصدد منزوی ساختن این کشور حرکت می‌کنند. لذا اینچنین است که خوب و بد بستگی به کشورهای خواهد داشت که دارای بانفوذترین گفتمان سیاسی هستند. یعنی، «درست» یا «نادرست» بودن زندگی سیاسی در کشورها بستگی به قضاوت غرب در مورد آنها خواهد داشت و این یعنی جهانی‌سازی فرهنگ و ارزش‌های لائیک غربی و منزوی ساختن ارزش‌های اخلاقی سایر کشورها.

در این عصر، دیپلماسی وب‌محور و ویژگی‌های دنیای شبکه‌ای درخصوص تبادلات پیام با حداقل کنترل و حداکثر نفوذ، در واقع اثربخشی روش‌های سنتی انتقال اطلاعات را به چالش کشیده است. به‌طوری که امروزه ارتباطات فرد به فرد وب‌محور که علاوه بر مخاطبین خاص به تفاوت‌ها، علائق و ویژگی‌های فردی نیز تأکید می‌کند، به‌طور فزاینده‌ای در همه جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرد، بنابراین پیشنهاد می‌شود آن دسته از فعالیت‌های رسانه‌ای با هدف آگاهی‌رسانی داخلی و بین‌المللی از طریق روش‌های سنتی، به‌تدریج با ارتباطات فرد به فرد وب‌محور تقویت شوند، تا ارتباطات رسانه‌ای آنلاین سبب ایجاد قدرت توزیعی دیپلماسی و در نهایت موجب امکان دستیابی به اهداف دیپلماسی عمومی کشور شود.

گزارش حاضر که نشان‌دهنده بخش کوچکی از خباثت دشمنان خارجی به رهبری شیطان بزرگ آمریکا در هدف قرار دادن حاکمیت ملی کشورمان از طریق

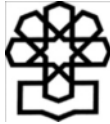


سیاستگذاری، اجرا، هدایت و رهبری حملات مخرب امنیتی سایبری، با شیوه‌های کاملاً نوین و گسترده اینترنتی با عنوان دیپلماسی وب‌محور، در جریان انتخابات (قبل، حین و بعد) می‌باشد، و آنچه به‌عنوان چکیده و مطلب راهبردی در این خصوص می‌توان آموخت آن است که باید هر روز قوی‌تر از دیروز شد و با استفاده حداکثری از تمام منابع در دسترس و فرصت‌های جدید ناشی از تکنولوژی‌های نوظهور و رسانه‌های اجتماعی، سیاست‌های دیپلماسی عمومی هوشمندانه کشورمان را فعال ساخته و با اتخاذ رویکرد تبدیل تهدید به فرصت، پیام الهی حوقل‌بلی خود را به درستی و با منطق قوی به گوش جهانیان رسانیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. هادیان، ناصر و افسانه احدی. جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال اول، شماره سوم، ص ۹۰، ۱۳۸۸.
۲. جان براون، پایان جنگ سرد و دیپلماسی عمومی، ترجمه و انتشار پایگاه الکترونیکی شفاف.
۳. ژیکوگانگ، لی و وانگ جینگ. نقش رسانه‌های اجتماعی در ناآرامی‌های ایران و سینگ کيانگ، ترجمه خبرگزاری مشرق، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۲۰۱۰.
۴. درویش، رضاداد. کتاب آمریکا (۶) : ویژه دیپلماسی عمومی در آمریکا، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ص ۶۳، ۱۳۸۴.
۵. گیلوآ، ایتان. ارتباطات جهانی و سیاست خارجی، ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۸۱-۸۰، ۱۳۸۸.

۶. میلسن، ژان. *دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل*، ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و دبیرخانه همایش عملیات روانی، چاپ دوم، صص ۵۳-۵۴، ۱۳۸۸.
۷. گروه مطالعاتی امنیت ملی، تهدید نرم و راهبردهای مقابله، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، پست الکترونیک، ص ۱۷۷، ۱۳۸۸.
۸. پیگیری ویژه وزارت خارجه آمریکا برای سازماندهی اغتشاش؛ روزنامه کیهان، ص ۲، پنجشنبه ۲۸ خردادماه ۱۳۸۸.
9. Lee, Matthew. "Hillary Clinton Pushes E-Diplomacy at State Department". Associated Press, 23 March, 2009. Quoted from NextGov website. <http://www.nextgov.com> (Accessed Sept 5, 2009).
10. Scola, Nancy. "The Next Diplomatic Cable". The American Prospect. 27 July, 2009. <http://www.prospect.org> (Accessed Sept 5, 2009).
11. Linton Freeman, The Development of Social Network Analysis. Vancouver: Empirical Pres, 2006).
12. "Profile: Mahmoud Ahmadinejad". BBC News. Last updated on 16 June, 2009. www.bbc.co.uk(accessed Sept 7, 2009).
13. <http://blogs.wsj.com/digits/2009/06/16/twitter-retains-spotlight-in-iran-coverage/>(accessed Sept 9, 2009).
14. Levi, Michelle. "Gates Calls Twitter 'A Huge Strategic Asset'". CBSNews, 18 June, 2009. www.cbsnews.com (Accessed Sept 5, 2009).
15. "The Internet Becomes a Infiltrating Tool of the West: Politicalization of the Web More Prominent". Global Times, 3 July, 2009. Quoted from http://news.xinhuanet.com/Internet/2009-07/03/content_11647152.htm (Accessed Sept 5, 2009).
16. Analysis of the Green Dam Censorware System Scott Wolchok, Randy Yao, and J. Alex Halderman Computer Science and Engineering Division The University of Michigan Revision 2.41 - June 11, 2009.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۳۶۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: دیپلماسی و بمحور، ابزار مداخله قدرت‌ها

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه امنیتی - دفاعی)

تهیه و تدوین: مهدی کریمی نیسیانی

ناظر علمی: یوسف ترابی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی:

۱. دیپلماسی و بمحور

۲. رسانه‌های اجتماعی مجازی

۳. ارتباطات فرد به فرد

۴. جمعیت هوشمند

۵. پارادایم تولید - مصرف

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۲/۱۷